

دکتر دیوید ال. متیوسون، الهیات عهد جدید جلسه هفتم، معبد در عهد جدید

دیو متیوسون و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

من دکتر دیو متیوسون هستم در مجموعه سخنرانی‌هایم در مورد الهیات عهد جدید. این جلسه هفتم، معبد در عهد جدید است.

بنابراین، ما در حال بررسی موضوع معبد، خیمه و عدن بوده‌ایم که من به دلیل ارتباط آنها در پیدایش و عهد عتیق، آنها را کنار هم قرار داده‌ام.

من پیشنهاد کرده‌ام که اهمیت معبد، اگرچه می‌توان چیزهای زیادی در مورد آن گفت، این است که برای اهداف ما، اهمیت آن این است که معبد یا خیمه محل سکونت خداست. این نشان دهنده حضور خدا در میان قومش است. معبد و خیمه به باغ عدن برمی‌گردند و مراحل تحقق نیت خدا برای بازگرداندن سکونتگاه مقدس خود و اقامت در میان قومش در خلقت اولیه از پیدایش ۱ و ۲ را نشان می‌دهند. سپس به بررسی برخی از شواهد عهد جدید می‌پردازیم که در آنها خود عیسی، در انجیل‌ها، با آشکار کردن حضور خدا در میان قوم در خلقت، شروع به تحقق نیت واقعی معبد می‌کند.

بنابراین، از طریق شخص عیسی مسیح است که خدا اکنون با قوم خود ساکن است. حضور خیمه‌مانند خدا اکنون در شخص عیسی مسیح ساکن است. از طریق عیسی مسیح است که خدا اکنون با قوم خود ساکن است.

کاری که می‌خواهم انجام دهم این است که به تعدادی از متون دیگر در عهد جدید نگاهی بیندازم که از تصاویر معبد یا تصویر خیمه الهام گرفته‌اند تا نشان دهند که از طریق شخص عیسی مسیح، حضور خدا خیمه است و حضور معبد اکنون در میان قوم او ساکن است. اما همچنین، خواهیم دید که همانطور که در مورد سایر مضامین خواهیم دید، این امر نه تنها در عیسی مسیح تحقق یافته، بلکه در پیروان او، در قوم او در کسانی که به مسیح تعلق دارند نیز تحقق یافته است. بنابراین، همانطور که گفتیم و بارها تکرار خواهیم کرد، بیشتر این وعده‌ها اول از همه محقق می‌شوند، یا بیشتر این مضامین اول از همه در شخص عیسی مسیح محقق می‌شوند.

ثانیاً، به طور گسترده، آنها در پیروانی که به او تعلق دارند یا با او متحد هستند، تحقق می‌یابند. و این قطعاً در مورد موضوع معبد صادق است. اولین جایی که خارج از انجیل‌ها و ادعاهای عیسی در کتاب‌هایی مانند متی و یوحنا، فصل اول و فصل دوم، حرکت می‌کند، محل توقف بعدی است که می‌تواند کتاب اعمال رسولان باشد.

و من فقط می‌خواهم خیلی خلاصه و به عنوان یک پیشنهاد چیزی بگویم، اما نمی‌خواهم روی آن زیاد بحث کنم زیرا انواع شواهد دیگر وجود دارد، چه در نهایت برای شما قانع‌کننده باشد چه نباشد. اما در فصل دوم، کتاب اعمال رسولان، درباره به اصطلاح روز پنطیکاست یا تولد کلیسا، همانطور که برخی آن را نامیده‌اند می‌خوانیم. در فصل دوم اعمال رسولان و روز پنطیکاست، پیروان مسیح همگی به دستور و دستورالعمل خود عیسی در فصل اول اعمال رسولان در اورشلیم جمع می‌شوند.

و بنابراین، شاگردان و پیروان او در اورشلیم جمع می‌شوند و خداوند روح القدس خود را بر مردم می‌ریزد تا عهد عتیق را به انجام برساند، به ویژه فصل دوم یوئیل که پطرس از آن نقل قول می‌کند و آنچه را که در روز پنطیکاست اتفاق می‌افتد توصیف و دفاع می‌کند. بنابراین، خداوند روح خود را بر مردم می‌ریزد و

نویسنده آن را طوری توصیف می‌کند که گویی زبانه‌های آتش بر آنها شناور است و آنها به زبان‌ها صحبت می‌کنند. حال، در آن شرایط، اگرچه نمی‌خواهم به جزئیات بپردازم، اما این امکان وجود دارد، همانطور که گرگ بیل در چند مقاله و در کتاب بزرگتر الهیات عهد جدید خود استدلال کرده است که گرگ بیل استدلال کرده است که فصل دوم اعمال رسولان و نزول روح القدس بر مردم در واقع صحنه‌ای از معبد است.

و او از تصویرسازی معبد دفاع می‌کند. او زبان‌های آتش و چندین مضمون و اصطلاح دیگر را در اعمال رسولان فصل دوم ردیابی می‌کند و آنها را به معبد مرتبط می‌سازد. و بنابراین، اگر چنین باشد، پس اعمال رسولان فصل دوم از قبل نشان می‌دهد که قوم خدا معبد خدا هستند و اکنون روح القدس، حضور خدا قوم، معبد او را پر می‌کند، بسیار شبیه به آنچه در ساخت خیمه در حزقیال فصل ۴۳ دیدیم که در آن جلال خدا می‌آید و معبد را پر می‌کند.

اکنون، ما حضور خدا را از طریق روح، شاید پر کردن معبد، می‌یابیم. بنابراین، ممکن است که حتی در اعمال رسولان فصل دوم، شاهد گسترش و تعمیم موضوع معبد به قوم خدا باشیم. و خواهیم دید که این در واقع یک مضمون برجسته در بقیه عهد جدید است که در آن نویسندگان عهد جدید، به ویژه پولس، تصویر معبد یا زبان معبد را برای خود قوم خدا به کار می‌برند.

بنابراین، می‌خواهم از آن مثال احتمالی در باب دوم اعمال رسولان عبور کنم. می‌توانید کتاب «الهیات کتاب مقدس عهد جدید» نوشته گرگ بیل و چندین بخش آن در مورد معبد را بخوانید که در آنها او استدلال می‌کند که باب دوم اعمال رسولان صحنه‌ای از معبد است. اما من می‌خواهم از آنجا به ادبیات پولس بپردازم.

همچنین می‌توانیم به تعدادی از متون در ادبیات پولس اشاره کنیم. شاید فقط مضمون کلی حضور خدا یا عیسی در کنار مؤمنان از طریق روح القدس، مفهوم معبد را تداعی کند، هرچند که به صراحت از زبان معبد استفاده نشده است. حضور خدا، حضور عیسی در مردم و حضور روح القدس در قومش، همگی می‌توانند زبان معبد یا تصویر معبد را تداعی کنند.

یا حتی فراتر از آن، این واقعیت که مسیح قربانی نهایی برای بخشش گناهان است، همانطور که در عبرانیان، می‌یابیم، اما حتی پولس که عیسی را به عنوان کسی که بخشش گناهان را فراهم می‌کند توصیف می‌کند حداقل به طور ضمنی فرض می‌کند که عیسی مسیح جایگزین یا تکمیل‌کننده معبد است. بخشش اکنون دیگر با معبد و انجام قربانی در معبد مرتبط نیست، بلکه اکنون بخشش گناهان صرفاً در شخص عیسی مسیح یافت می‌شود. بنابراین، اشارات به بخشش گناهان و اشارات به بخشش از طریق مسیح ممکن است، به طور ضمنی تداعی‌کننده یا حداقل فرض کند که عیسی مسیح تحقق معبد است و جایگزین آن می‌شود. زیرا اکنون بخشش در شخص عیسی مسیح یافت می‌شود و با آن مرتبط است.

اما می‌خواهم به متون خاص‌تری در عهد جدید نگاهی بیندازم و دوباره با نوشته‌های پولس شروع کنم. نقطه شروع احتمالاً اول قرن‌تین فصل ۳ و آیات ۱۶ و ۱۷ خواهد بود، یکی از شناخته‌شده‌ترین اشارات در نوشته‌های پولس به معبد. و باز هم، بیشتر این اشارات، همه این اشارات به خود مردم به عنوان معبد اشاره دارند.

اما در اول قرن‌تین فصل ۳ و آیات ۱۶ و ۱۷، این را می‌خوانیم: آیا نمی‌دانید که شما خود معبد خدا هستید و روح خدا در میان شما ساکن است؟ اگر کسی معبد خدا را خراب کند، خدا آن شخص را نابود خواهد کرد، زیرا معبد خدا مقدس است و شما با هم آن معبد هستید. حال، در این بخش، پولس به وضوح، خوانندگان خود را خطاب قرار می‌دهد و درک این نکته مهم است که اگر می‌توانستید به متن یونانی نگاه کنید

اگرچه متن انگلیسی این موضوع را مبهم می‌کند، اما اگر به متن یونانی نگاه کنید، ضمیر «شما» و افعال جمع هستند و به کل جماعت یا به خود مردم اشاره دارند.

بنابراین، این یک جمله‌ی فردی نیست که بدن من معبد روح‌القدس است، بلکه این یک جمله‌ی جمعی است که در آن پولس به کل کلیسا، به تمام مؤمنان قرن‌تیان به عنوان معبد اشاره می‌کند. بنابراین، کلیسای قرن‌تیان یک معبد است. در آیه‌ی ۱۲ نیز عبارات معبدگونه‌ی بیشتری یافت می‌شود.

اگر بتوانم با فیضی که خدا به من عطا کرده است، شروع به خواندن آیه ۱۰ کنم، بنیادی خواهم نهاد. این می‌تواند زبان معبد نیز باشد. من به عنوان یک سازنده خردمند بنیادی بنا نهادم و شخص دیگری بر روی آن بنا می‌کند.

اما هر کس باید با دقت بنا کند، زیرا هیچ کس نمی‌تواند بنیادی جز آن که از پیش نهاده شده است، یعنی مسیح، بنا کند. اگر کسی بر روی این بنیاد با استفاده از طلا، نقره، سنگ‌های قیمتی، چوب، علف خشک یا گاه بنا کند، کار او به همان صورتی که هست نشان داده خواهد شد. و من می‌خواهم توجه را به آن زبان طلا، نقره و سنگ‌های قیمتی جلب کنم.

بار دیگر، هم در عهد عتیق و هم در ادبیات آخرالزمانی یهود و جاهای دیگر، طلا و سنگ‌های قیمتی با ساخت معبد مرتبط هستند. برای مثال، تنها کاری که باید انجام دهید این است که به مکاشفه ۲۱ مراجعه کنید، جایی که، همانطور که بعداً خواهیم دید، اورشلیم جدید در واقع به عنوان یک معبد توصیف شده است و زبان معبد گرفته شده و به اورشلیم جدید اطلاق می‌شود. اما همانطور که شاید به خوبی می‌دانید در فصل ۲۱ مکاشفه، یوحنا معبد اورشلیم جدید را متشکل از طلا و سنگ‌های قیمتی توصیف می‌کند.

بنابراین، همه این زبان‌ها با هم، زبان بنیاد، زبان سنگ‌های قیمتی، طلا و سنگ‌های قیمتی، و سپس اشاره صریح در آیات ۱۶ و ۱۷ از اول قرن‌تیان ۳ به کلیسا به عنوان یک معبد، نشان می‌دهد که قوم خدا اکنون معبد هستند. حال، شاید بتوان گفت که، خب، این صرفاً یک استعاره است، نویسندگان کلیسا را با یک معبد مقایسه می‌کنند. این امکان وجود دارد.

اگر تمام چیزی که می‌توانستم با آن ادامه دهم همین متن بود، شاید می‌شد نتیجه گرفت که پولس صرفاً از یک استعاره استفاده می‌کند. فکر می‌کنم برخی از تفاسیر در واقع چنین نتیجه‌ای می‌گیرند. اما وقتی به کاری که پولس انجام می‌دهد نگاه می‌کنید، به خصوص در جاهای دیگر کتاب اول قرن‌تیان، تکیه او بر عهد عتیق کاری که در دوم قرن‌تیان با موضوع معبد انجام می‌دهد، جایی که به وضوح آن را با وعده‌های عهد عتیق مرتبط می‌کند، فکر می‌کنم به سختی می‌توان به این نتیجه رسید که پولس فقط از معبد به عنوان یک استعاره استفاده می‌کند و کلیسا را با یک معبد مقایسه می‌کند.

در عوض، من فکر می‌کنم که پولس، به ویژه با توجه به متون گسترده‌تر و آنچه در جای دیگر در اول و دوم قرن‌تیان می‌گوید، می‌گوید که کلیسا اکنون نیت واقعی معبد را محقق می‌کند. آنچه خدا در معبد در نظر داشت، اکنون در کلیسا، قوم خدا، به اوج و تحقق خود می‌رسد. آنچه متن نبوی، مانند حزقیال، پیش‌بینی کرده بود، معبدی بازسازی شده که در آن خدا با قوم خود ساکن خواهد شد، اکنون نه تنها در عیسی مسیح یوحنا ۱، بلکه اکنون در کلیسای او، در پیروانش که معبد واقعی خدا هستند، در حال تحقق یافتن است.

در واقع، احتمالاً بسیاری از تعهدات اخلاقی و معیارهای اخلاقی در بقیه اول قرن‌تیان بر اساس این فرض است که کلیسا یک معبد است. به عنوان مثال، در اول قرن‌تیان فصل ۶، دعوت از آنها برای دنبال کردن پایی و اخراج یک برادر غیراخلاقی، به نظر می‌رسد بر اساس این ایده است که کلیسا معبد است. همانطور که در

عهد عتیق، پاکی با معبد و تقدس با معبد مرتبط بود، اکنون پولس، با درک کلیسا به عنوان معبد واقعی و معبد جدید خدا، آن را نیز به دنبال کردن پاکی و تقدس فرا می‌خواند.

بسیاری از نصایح اخلاقی در بقیه رساله قرن‌تینان احتمالاً از این واقعیت ناشی می‌شود که پولس کلیسا را به عنوان یک معبد تصور می‌کند و اکنون خواستار پاکی و تقدس آن است. بنابراین، به نظر می‌رسد اول قرن‌تینان، نمونه‌ای از برداشت پولس از تصویر معبد از عهد عتیق و اکنون به کار بردن آن در کلیسا است ۱۷-۱۶:۳. نه تنها به عنوان یک استعاره، بلکه همچنین دیدن کلیسا، قوم خدا، اکنون به عنوان معبد واقعی، اکنون به عنوان تحقق آنچه خدا در وهله اول در معبد در نظر داشت، و آن این است که خدا با قوم خود ساکن خواهد شد. دوم قرن‌تینان فصل ۶، برای لحظه‌ای در ادبیات قرن‌تینان بمانیم، دوم قرن‌تینان فصل ۶ و ۱۶-۱۸، ما قبلاً چند متن را در این بخش خوانده‌ایم، و به فصل ۵ و ۱۷ در رابطه با خلقت جدید نگاه کردیم، که دوباره نشان می‌دهد که بسیاری از این مفاهیم به شدت در هم تنیده شده‌اند.

در واقع، بعداً در مکاشفه ۲۱ خواهیم دید که معبد جدید اورشلیم در خلقت جدید رخ می‌دهد، بنابراین تفکیک کامل برخی از این مضامین دشوار است. اما در دوم قرن‌تینان ۱۶:۶-۱۸، چه تطابقی بین معبد خدا و بت‌ها وجود دارد؟ زیرا دوباره متوجه جمع می‌شویم، پولس به خودش و کلیسای قرن‌تینان اشاره می‌کند، زیرا ما معبد خدای زنده هستیم. حال، می‌توان در اینجا متوقف شد و فکر کرد، خوب، دوباره، آیا پولس نمی‌تواند صرفاً از یک معبد به عنوان استعاره برای توصیف کلیسا استفاده کند؟ کلیسا یک معبد است و صرفاً به عنوان نوعی نماد یا استعاره استفاده می‌شود.

خوب، بله، این درست است، اما توجه کنید که پولس ادعای خود را با نقل قول از متن عهد عتیق پایه گذاری می‌کند. اولین مورد در آیه ۱۶ کاملاً گویا است، من با آنها زندگی خواهم کرد و در میان آنها راه خواهم رفت و من خدای آنها خواهم بود و آنها قوم من خواهند بود، که احتمالاً نقل قولی ترکیبی از حزقیال فصل ۳۷ و آیات ۲۶ و ۲۷، و همچنین لاویان فصل ۲۶ و آیات ۱۱ و ۱۲ است. نقل قول لاویان در زمینه خیمه است، خدا با قوم خود در خیمه ساکن می‌شود.

متن حزقیال ۳۷ در زمینه خدا است، درست قبل از بخشی که به آن نگاه کرده‌ایم و دوباره به آن نگاه خواهیم کرد، فصل ۴۰-۴۷، که معبد بازسازی‌شده و تجدید شده را شرح می‌دهد، آمده است. بنابراین، برای مثال، در لاویان فصل ۲۶، می‌خواهم به زبان و فرمول عهد توجه کنید؛ در ادامه به عهد خواهیم پرداخت اما فرمول عهدی که پولس مطرح می‌کند، لاویان فصل ۲۶، نویسنده می‌گوید: «من در میان شما ساکن خواهم شد و از شما نفرت نخواهم داشت. من در میان شما خواهم بود و خدای شما خواهم بود و شما «قوم من خواهید بود».

باز هم، در زمینه اسرائیل، برپایی خیمه و سکونت خدا با قومش از طریق خیمه. سپس، حزقیال فصل ۳۶ از عبارات بسیار مشابه و تقریباً یکسانی استفاده می‌کند که دوباره با توصیف حزقیال از معبد مرمت‌شده بازسازی‌شده و نوسازی‌شده ادامه می‌یابد. حزقیال فصل ۳۷ و آیات ۲۶ و ۲۷.

باز هم، فرمول عهد جدید مربوط به سکونت خدا با قومش است. او می‌گوید من با آنها عهد صلح خواهم بست. این یک عهد ابدی خواهد بود.

من آنها را مستقر خواهم کرد و تعدادشان را افزایش خواهم داد. و معبد خود را در میان آنها قرار خواهم داد. سپس معبد در آیات ۴۰ تا ۴۷ توصیف خواهد شد.

مسکن من با آنها خواهد بود و من خدای آنها خواهم بود و آنها قوم من خواهند بود. حال پولس هر دو را در واقع در فصل ششم و آیه ۱۶ از رساله دوم قرن‌تینان با هم ترکیب می‌کند، وقتی می‌گوید، زیرا ما معبد

خدای زنده هستیم، همانطور که خدا گفته است، برای توضیح و توجیه این گفته‌اش، من با آنها زندگی خواهم کرد و در میان آنها راه خواهم رفت. من خدای آنها خواهم بود و آنها قوم من خواهند بود.

بنابراین، پولس با نقل دو متن مربوط به خیمه و معبد بازسازی شده در حزقیال فصل ۳۷، این واقعیت را که آنها این معبد هستند، توجیه می‌کند. سپس او ادامه می‌دهد و در واقع دو متن دیگر از عهد عتیق را نقل می‌کند. بنابراین، از آنها بیرون بیایید و جدا شوید، خداوند می‌گوید، به چیز ناپاک دست نزنید، و من شما را خواهم پذیرفت.

و آنگاه من برای شما خواهم بود (آیه ۱۸). (من برای شما پدر خواهم بود و شما پسران و دختران من خواهید بود، این فرموده خداوند متعال است. بنابراین، من فکر می‌کنم در این بخش، نویسندگان پولس از عهد عتیق نقل قول می‌کند تا این واقعیت را نشان دهد که آن متون عهد عتیق، لاویان فصل ۲۶، و سپس حتی متون نبوی، به ویژه حزقیال ۳۷، اکنون در کلیسای عیسی مسیح تحقق و تحقق می‌یابند.

و همچنین توجه داشته باشید که همه اینها در چارچوب تقدس است. بنابراین، یک بار دیگر، مفاهیم پاک و تقدس که با خیمه و معبد عهد عتیق مرتبط بودند، اکنون به معبد جدید، که کلیسا است، منتقل می‌شوند. بنابراین، این نه تنها یک استعاره است، بلکه تحقق مضمون عهد عتیق معبد و حتی معبد آخرالزمانی در حزقیال ۳۷ است.

در واقع، نویسندگان بعداً در این بخش به وعده‌های خدا اشاره خواهد کرد. اکنون که می‌دانیم وعده‌های خدا بر اساس این وعده‌ها هستند، پولس احتمالاً اشاره‌ای به این متون عهد عتیق می‌بیند. بنابراین، پولس این وعده‌ها، مانند تأسیس محراب خدا، سکونت او با مردم، را که اکنون محقق شده است، نه در یک ساختمان یا سازه فیزیکی، بلکه در خود قوم خدا می‌بیند.

بنابراین، به نظر من، هر دو متن قرن‌تین گواهی می‌دهند و این با نگاه به برخی متون دیگر نیز تأیید خواهد شد، اما به نظر می‌رسد که این نشان می‌دهد که پولس قصد تأسیس معبد فیزیکی را در عهد عتیق و همچنین انتظارات یک معبد آخرالزمانی را که اکنون در مردم، در کلیسا، محقق می‌شود، می‌بیند. بنابراین، او می‌تواند از کلیسا به عنوان معبد خدا یاد کند. و از طرف دیگر، حتی دوم قرن‌تین ۶ نیز این را توجیه می‌کند و با اشاره به خود عهد عتیق آن را توضیح می‌دهد.

نقطه توقف بعدی، افسسیان فصل ۲ و آیات ۲۰ تا ۲۲ است. و ما، باز هم، قبلاً به برخی از این متون پرداخته‌ایم و در زمینه‌های دیگر مرتبط با موضوعات دیگر نیز به این کار ادامه خواهیم داد. اما افسسیان فصل ۲، ۲۰ تا ۲۲ در پایان بخشی آمده است که حداقل دو چیز در آن در حال وقوع است.

چندین نکته وجود دارد، اما دو نکته‌ای که می‌خواهم بر آنها تأکید کنم این است که پولس از وحدت یهودیان و غیریهودیان که اکنون به یک بشریت تبدیل می‌شوند، دفاع می‌کند. این وحدت با انتخاب دو گروه، که قبلاً از نظر قومی و مذهبی متفاوت بودند، توسط خداوند و گرد هم آوردن آنها در یک بشریت جدید، همانطور که پولس می‌گوید، در مسیح عیسی، نشان داده می‌شود. از طریق مرگ و رستاخیز عیسی مسیح است که مانع بین این دو شکسته شده است و اکنون مسیح با گرد هم آوردن آنها در یک بدن، یک بشریت جدید، یعنی کلیسا، صلح بین یهودیان و غیریهودیان ایجاد کرده است.

نکته دوم این است که پولس این را بر اساس اشاراتی به عهد عتیق، به ویژه کتاب اشعیا، مطرح می‌کند. حال پولس در هیچ کجا به صراحت از عهد عتیق در افسسیان فصل ۲ نقل قول نمی‌کند. یکی از این موارد، به عنوان یک نکته فرعی دیگر، یکی از مواردی که شاید حدود ۲۰ سال گذشته در جریان بوده است، مطالعه مجدد استفاده از عهد عتیق در عهد جدید است که اهمیت عهد عتیق را بسیار فراتر از مواردی می‌داند که

نویسندگان عهد جدید با گفتن چیزهایی مانند «این اتفاق افتاد تا آنچه در اشعیا نبی گفته شده بود، یا همانطور که نوشته شده است، یا چیزی شبیه به آن، مانند آنچه در متی فصل ۲ و متون دیگر مانند آنچه در دوم قرنتیان ۶ دیدیم، می‌یابید»، از آن نقل قول می‌کنند. در عوض، گاهی اوقات نویسندگان متن و زبان عهد عتیق را می‌گیرند و آنها را در اثر خود می‌بافند، بدون اینکه با گفتن اینکه این در واقع تحقق این است، یا این اتفاق افتاد تا این را تحقق بخشد، یا درست همانطور که نوشته شده است، به آن اشاره کنند. در عوض، آنها به سادگی زبان را می‌گیرند و آن را در گفتمان خود، در گفتار خود می‌بافند.

و این چیزی است که ما در افسسیان باب ۲ می‌بینیم. و وقتی نویسندگان این کار را می‌کنند، گاهی اوقات اهمیت آن کمتر از زمانی نیست که واقعاً آن را نقل می‌کنند. در افسسیان باب ۲، پولس در واقع تعدادی از مفاهیم و اشارات خاص به متون را به زبان خودش می‌بافد. بنابراین، افسسیان باب ۲ از آیه ۱۱ شروع می‌شود. اجازه دهید چند بخش از این بخش‌ها را دوباره بخوانم تا شما متوجه شوید.

برای مثال، در آیات ۱۱ و ۱۲، اشارات خاصی به عهد عتیق شده است. بنابراین، به یاد داشته باشید که شما که قبلاً از بدو تولد غیریهودی بودید و توسط کسانی که خود را ختنه شده می‌نامیدند، نامختون خوانده می‌شدید. بنابراین، زبان عهد عتیق واضح است.

آیه ۱۲، به یاد داشته باشید که در آن زمان، شما از مسیح جدا، از شهروندی اسرائیل محروم و از عهد و پیمان‌های وعده بیگانه بودید. ما این آیات را قبلاً خوانده‌ایم، اما دوباره به اشارات خاص به مفاهیم عهد عتیق توجه کنید. اما سپس نویسنده ادامه می‌دهد و در مورد اکنون در مسیح عیسی صحبت می‌کند، شما که دور هستید، نزدیک آورده شده‌اید.

آن زبان دور و نزدیک دوباره درست از کتاب اشعیا بیرون می‌آید. آیه ۱۴، زیرا او خود، صلح ماست. زبان صلح، اشعیا ۵۲ و جاهای دیگر، زبان آشتی، که این دو را به یک بشریت جدید، مفهوم تازگی، تبدیل می‌کند.

این عبارت مستقیماً از کتاب اشعیا گرفته شده است. بنابراین، پولس از متونی از اشعیا استفاده می‌کند که به احیای قوم خدا اشاره دارند. حال، منظور گرد هم آوردن یهودیان و غیریهودیان در یک بشریت جدید است، که همان کلیسایی است که اکنون به طور مساوی به قوم خدا دسترسی دارد.

بنابراین، نکته‌ی مورد نظر پولس، یعنی پیوند یهود و غیریهود، اتحاد یهود و غیریهود در یک بشریت جدید، تحقق عهد عتیق، به ویژه برنامه‌ی اشعیا برای احیای دوباره است که او به ویژه در فصل‌های ۴۰ تا ۶۶ به تفصیل بیان می‌کند. این سلسله اشارات به عهد عتیق و شرح طولانی پولس از آنچه مسیح در تحقق اشعیا در اتحاد یهودیان و غیریهودیان با یکدیگر در یک بشریت جدید از طریق صلیب عیسی مسیح و برقراری صلح انجام داده است، با این اشاره در آیات ۲۰ تا ۲۲ به اوج خود می‌رسد. در واقع، من به عقب برمی‌گردم. و آیه ۱۹ را می‌خوانم، زیرا این آیه آغاز واقعی این بخش پایانی است.

در نتیجه، شما، به ویژه غیریهودیان، خوانندگان او، دیگر بیگانه و غریب نیستید، بلکه همشهری قوم خدا و همچنین اعضای خانواده او هستید که بر پایه رسولان و انبیا بنا شده‌اید، و خود عیسی مسیح سنگ زاویه آن است. حال، به این گوش دهید. تاکنون، به نظر می‌رسد که این فقط یک تصویر کلی از ساختمان است.

اگرچه من استدلال می‌کنم که اشاره به بنیاد در فصل ۲۰ احتمالاً در آیه ۲۰ است، اما متأسفم، فصل دوم احتمالاً تصویر معبد است زیرا اکنون، در آیه ۲۱، در او، در مسیح، کل این ساختمان به هم پیوسته و برای تبدیل شدن به یک معبد مقدس در خداوند برپا می‌شود. و در او، شما دو نفر با هم ساخته می‌شوید تا به مکانی مسکونی تبدیل شوید که در آن خدا به وسیله روح خود زندگی می‌کند. به عبارت دیگر، پس دقیقاً

همانطور که در قرنتیان اول و دوم دیدیم، پولس کلیسا را به عنوان معبد، به عنوان معبد آخرالزمانی که اکنون محل سکونت خداست، جایی که خود خدا از طریق روح القدس خود ساکن است، تصور می‌کند.

و رسولان و پیامبران پایه و اساس این معبد هستند. در واقع، آن زبان پایه و اساس با آنچه در سایر ادبیات یهودی می‌یابید، سازگار است. به عنوان مثال، جامعه قمران و طومارهای دریای مرده، این جامعه را به عنوان یک معبد توصیف می‌کنند.

آنها همچنین از زبان معبد استفاده می‌کنند و اعضای بنیانگذار خود، اعضای کلیدی جامعه، را به عنوان پایه و اساس معبد توصیف می‌کنند. اکنون، جامعه قمران هنوز انتظار یک معبد بازسازی شده فیزیکی را داشت اما در عین حال، آنها زبان معبد را برای خود نیز به کار می‌بردند و اعضای بنیانگذار کلیدی خود را به عنوان پایه و اساس جامعه و معبد می‌دیدند. بنابراین اکنون پولس با نامیدن رسولان و پیامبران به عنوان پایه‌های این معبد، معبدی که اکنون در حال ساخته شدن است و از سنگ‌ها و بلوک‌های ساختمانی واقعی تشکیل نشده است، بلکه اکنون از اعضایی تشکیل شده است که این معبد را تشکیل می‌دهند، معبدی که خدا از طریق روح القدس خود در آن ساکن است.

اما نویسنده با نقل قول از اشعیا فصل ۲۸ و آیه ۱۶، نه با نقل قول، بلکه با اشاره مجدد به اشعیا، ۲۸:۱۶ عیسی مسیح را سنگ بنای اصلی می‌نامد. بنابراین، مسیح، اگرچه رسولان و انبیا پایه و اساس این ساختار هستند، اما عیسی سنگ بنای اصلی است. او سنگ بنایی است که همه چیز را در کنار هم نگه می‌دارد.

و سپس ما بر روی همه اینها بنا می‌شویم. قوم خدا، اعضای همه اینها، به معبدی مقدس تبدیل می‌شوند که خدا از طریق روح خود در آن ساکن است. بنابراین، یک بار دیگر، این اشاره به کلیسا به عنوان معبد، صرفاً به زبان استعاری که معابد فقط از آن به عنوان استعاره برای توصیف کلیسا استفاده می‌کنند، به نظر نمی‌رسد، اگرچه این کار را هم می‌کند.

اما من بر اساس ارجاع به متون عهد عتیق، به ویژه از اشعیا، و اشعیا ۲۸-۱۶، عیسی مسیح سنگ بنای اصلی، استدلال می‌کنم که آن متن و سایر متون عهد عتیق در سراسر فصل ۲ استدلال می‌کنند که کلیسا توسط پولس به عنوان تحقق متن نبوی عتیق دیده می‌شود. اکنون، کلیسا، نه یک معبد فیزیکی، محل سکونت خداست. حضور معبد خیمه‌ای خدا با قومش اکنون محقق می‌شود، نه در یک ساختار فیزیکی، بلکه اکنون در خود قوم خدا، جایی که خدا از طریق روح خود ساکن است.

در واقع، اگر بتوانم به یک متن دیگر در افسسیان اشاره کنم که فکر می‌کنم این مفهوم به روشن شدن آن کمک می‌کند، به فصل ۵ و آیات ۱۸-۲۰ افسسیان می‌پردازم. افسسیان فصل ۵ و آیات ۱۸-۲۰. این متنی است که بارها و بارها دوباره به آن اشاره می‌شود، معمولاً بسیار فردگرایانه خوانده می‌شود و ما در مورد آن کمی بعد صحبت خواهیم کرد.

اما از آیه ۱۸ به بعد، مست شراب نشوید که به هرزگی می‌انجامد. در عوض، از روح القدس پر شوید و با یکدیگر به مزامیر، سرودها و آهنگ‌هایی از روح القدس صحبت کنید، در دل‌هایتان برای خداوند بسازید و آهنگ بسازید، و همواره به نام خداوند ما عیسی مسیح، خدای پدر را برای همه چیز شکر کنید. و سپس آیه ۲۱ احتمالاً به همین موضوع نیز مربوط می‌شود، یعنی به خاطر احترام به مسیح، مطیع یکدیگر باشید.

حالا، کاری که می‌خواهم انجام دهم این است که نمی‌خواهم به تک تک جزئیات این بخش نگاه کنم، اما می‌خواهم به آن عبارت نگاه کنم و از روح القدس پر شوم. همانطور که گفتم، معمولاً ما تمایل داریم که با این موضوع به صورت فردگرایانه برخورد کنیم، اینکه روح خدا مرا پر می‌کند و مرا کنترل می‌کند، و برخلاف اینکه شراب مرا کنترل می‌کند و مرا پر می‌کند و از شراب مست می‌شود، اکنون باید بگذارم روح خدا مرا به

صورت فردی پر کند تا میوه روح القدس را تولید کنم و آن نوع زندگی را که خدا می‌خواهد، زندگی کنم. و باز هم، مطمئناً نمی‌خواهم این مفهوم را زیر سوال ببرم، اما می‌خواهم این سوال را مطرح کنم که آیا این همان چیزی است که پولس می‌گوید یا خیر.

من تعجب می‌کنم که آیا نباید این را به صورت جمعی‌تر بخوانیم و شاید باید آن را با توجه به فصل ۲ افسسیان، متنی که به آن نگاه کردیم، بخوانیم. در واقع، یک بار دیگر، الزام پر شدن در اینجا جمع است، و بدیهی است که اگر پولس با یک گروه صحبت می‌کند، از جمع استفاده می‌کند، نه فقط یک مفرد، اما احتمالاً پولس به صورت جمعی‌تر به کل کلیسا اشاره می‌کند. و من فکر می‌کنم وقتی او از کلیسا می‌خواهد که بر شود، فکر می‌کنم او بار دیگر به کلیسا به عنوان یک معبد اشاره می‌کند.

همچنین به این زبان صحبت کردن با یکدیگر در مزامیر و سرودهای مذهبی و مزامیر روحانی توجه کنید؛ به نظر می‌رسد که این دستورات عمل‌ها را در چارچوب کلیسای که برای عبادت گرد هم می‌آیند قرار می‌دهد، نه فقط کاری که افراد در خانه‌های خود انجام می‌دهند. بنابراین، من فکر می‌کنم منظور پولس این است که کلیسا معبدی است که خدا آن را با روح خود پر می‌کند. بنابراین، این یک بار دیگر به حضور معبد اشاره دارد.

در واقع، اگر یک بار دیگر به عهد عتیق برگردید، به نظر می‌رسد این ایده پر شدن، یعنی پر شدن معبد توسط خدا، همان چیزی است که در اینجا وجود دارد. به عنوان مثال، متنی که می‌خوانیم، حزقیال فصل ۴۳ در اشاره به معبد بازسازی شده و نوسازی شده، پس از اینکه حزقیال ساختار معبد را می‌بیند و به ۴۳، گشت و گذار در آن هدایت می‌شود و آن را اندازه‌گیری می‌کند. در فصل ۳، او سرانجام جلال خدا را می‌بیند.

در آیه ۲ از باب ۴۳ کتاب حزقیال، آیه ۲، من جلال خدای اسرائیل را دیدم که از شرق می‌آمد و وارد معبد شد. و به آنچه او در آیه ۵ می‌گوید توجه کنید، سپس روح مرا بلند کرد و به صحن داخلی آورد و جلال خداوند معبد را پر کرد. بنابراین، من فکر می‌کنم که زبان پر شدن در اینجا در فصل ۵، زبان معبد است.

آنچه پولس می‌گوید این است که او می‌خواهد کلیسا معبد خدا باشد، جایی که خدا در آن ساکن است و خدا آن را با جلال و روح خود پر می‌کند. بدیهی است که چگونگی تحقق این امر در فصل‌های بعدی آمده است؛ در فصل‌های ۵ و ۶، پیامدهای اخلاقی آن را می‌یابیم، اینکه معبد خدا بودن به چه معناست، چه شکلی دارد و چگونه کلیسا نشان می‌دهد که معبد خداست. اما یک بار دیگر، فکر می‌کنم باید خواندن این متن را صرفاً به صورت فردگرایانه متوقف کنیم و دوباره، احتمالاً باید آن را با توجه به فصل ۲ بخوانیم، جایی که کلیسا در حال رشد است تا به یک مکان مقدس تبدیل شود، معبدی که خدا از طریق روح خود در آن ساکن است.

اکنون دوباره، کلیسا را به عنوان معبدی می‌بینیم که خدا آن را با روح خود پر می‌کند. بنابراین، من فکر می‌کنم در این بخش‌ها، پولس به طور مداوم از تصویر معبد استفاده می‌کند، نه فقط به عنوان یک استعاره یا مقایسه مناسب، بلکه پولس از تصویر معبد برای بیان تحقق معبد عهد عتیق، اهداف مربوط به معبد فیزیکی و انتظارات نبوی از یک معبد بازسازی شده که اکنون در قوم خدا، کلیسا، تحقق یافته و محقق می‌شود، استفاده می‌کند. یعنی آنچه که معبد نشان می‌داد، حضور خدا با قومش، خدا ساکن با قومش، اکنون با ساکن شدن خدا در آن، خدا از طریق روح القدس خود، قومش، کلیسا، تحقق می‌یابد.

یهودی و شهر اکنون در مسیح به عنوان یک بدن گرد هم آمده‌اند. جالب اینجاست که برخی افراد با توجه به این موضوع، در مورد آن صحبت کرده‌اند و پرسیده‌اند که آیا دوره سوم معبد وجود خواهد داشت یا خیر. ما به معبد اول و سپس دوره دوم معبد، معبد هیرودیس، که در سال ۷۰ میلادی ویران شد، اشاره می‌کنیم.

آیا قرار است دوره معبد سوم وجود داشته باشد؟ و پیشنهاد من این است که بله، وجود دارد. در حال حاضر یکی وجود دارد. کلیسا اکنون معبد سوم است.

قوم خدا، متشکل از یهودیان و غیریهودیان، در راستای تحقق وعده‌های عهد عتیق، اکنون سومین معبدی است که خدا در آن با قوم خود ساکن می‌شود. اما خواهیم دید که این تنها «نه» و «هنوز» نیست. هنوز بُعدی «وجود دارد».

معبد به یک معنا تکمیل نشده است. ما تحقق نهایی و تحقق نهایی را در خلقت جدید در مکاشفه ۲۱ و ۲۲ می‌یابیم که بعداً به آنها خواهیم پرداخت. اما می‌خواهم از ادبیات پولس خارج شوم و به طور خلاصه در مورد دو متن دیگر صحبت کنم.

یکی از این موارد در فصل‌های ۸ تا ۱۰ کتاب عبرانیان یافت می‌شود، جایی که نویسنده در این بخش، در سراسر کتاب، برتری مسیح را بر نظام عهد عتیق نشان می‌دهد. و ایده این نیست که خود عهد عتیق ناقص بوده و نقشه الف بوده که کار نکرده، بنابراین خدا مجبور شده نقشه ب را وضع کند. اما نویسنده عبرانیان نشان می‌دهد که عیسی مسیح همان چیزی است که نظام عهد عتیق به آن اشاره می‌کرد. و بنابراین، او آن را به تحقق رسانده است.

پس چرا خوانندگان می‌خواهند به چیز دیگری برگردند؟ در یک بخش طولانی در فصل‌های ۸ تا ۱۰، نویسنده به تفصیل استدلال می‌کند که عیسی مسیح جایگزین کل سیستم قربانی عهد عتیق می‌شود و آن را به انجام می‌رساند. بنابراین اکنون بخشش گناهان در عیسی مسیح یافت می‌شود و نه در خیمه یا معبد عهد عتیق. به عنوان مثال، در عبرانیان فصل ۸، و یک بار دیگر، من فقط چند بخش را می‌خوانم تا شما متوجه منظور نویسنده شوید.

در عبرانیان فصل ۸ و آیات ۱ تا ۶، نویسنده می‌گوید، نکته اصلی آنچه می‌گوییم این است که ما چنین کاهن اعظمی نداریم که در دست راست تخت جلال بنشیند، یا چنین کاهن اعظمی داریم، یعنی عیسی مسیح، که در دست راست تخت جلال در آسمان نشسته و در محراب، خیمه حقیقی که توسط خداوند برپا شده است، نه به دست انسان، یعنی خیمه یا معبد زمینی، خدمت می‌کند. هر کاهن اعظمی منصوب شده است تا هم هدایا و هم قربانی‌ها را تقدیم کند، بنابراین لازم است که این کاهن اعظم، یعنی عیسی، چیزی برای تقدیم داشته باشد. اگر او روی زمین بود، کاهن نمی‌شد، زیرا کاهنانی وجود دارند که هدایای مقرر شده برای همه را تقدیم می‌کنند.

آنها در معبدی خدمت می‌کنند که تنها کپی و سایه‌ای از آنچه در آسمان است، می‌باشد. به همین دلیل است که به موسی هنگام ساختن خیمه هشدار داده شد که همه چیز را مطابق الگویی که در کوه نشان داده‌ای، بساز. با این حال، در واقع، خدمتی که عیسی دریافت کرد به همان اندازه از خدمت آنها برتر است که عهدی که او واسطه آن است، از عهد قدیمی برتر است، زیرا عهد جدید بر وعده‌های بهتری بنا شده است.

حال، موضوع خیمه و معبد نیز با عهد مرتبط است، موضوعی که پس از معبد به آن خواهیم پرداخت. اگر به فصل بعدی، مثلاً فصل ۹ و آیات ۱۱ و ۱۲، بروید، اما وقتی مسیح به عنوان کاهن اعظم چیزهای نیکویی که اکنون اینجا هستند، آمد، از خیمه بزرگتر و کامل‌تری که با دست انسان ساخته نشده است، عبور کرد. به عبارت دیگر، بخشی از این خلقت نیست.

او به وسیله خون بزها و گوساله‌ها وارد نشد، همانطور که کاهنان و خیمه و معبد زمینی وارد می‌شدند، بلکه او یک بار برای همیشه به وسیله خون خود وارد مقدس‌ترین مکان شد و بدین ترتیب رستگاری ابدی را به

دست آورد. بنابراین، در این آیات توجه کنید که عیسی مسیح اکنون حداقل سه کار مهم در این متون انجام می‌دهد. موارد زیادی وجود دارد، اما من صرفاً می‌خواهم این موارد را در رابطه با معبد برجسته کنم.

اول از همه، عیسی اکنون کاهن برتر است. عیسی اکنون به عنوان کاهنی که وارد مکان مقدس آسمانی می‌شود، و قربانی تقدیم می‌کند، که اکنون خون خودش است، عمل می‌کند و کهنانت عهد عتیق را به انجام می‌رساند، که اکنون خون خودش است، که رستگاری ابدی را برای مردم به ارمغان می‌آورد و تضمین می‌کند. بنابراین یک بار دیگر، آنچه نویسنده استدلال می‌کند این است که رستگاری و بخشش گناهان اکنون نه در معبد و خیمه فیزیکی، بلکه در شخص عیسی مسیح یافت می‌شود.

بنابراین، عیسی مسیح کاهنی است که در خیمه خدمت می‌کند. دوم، می‌خواهم توجه داشته باشید که عیسی مسیح در خیمه‌ای خدمت می‌کند که بزرگتر و آسمانی است، نه زمینی. خیمه زمینی تنها به عنوان یک نمونه یا کپی یا سایه‌ای از واقعیت معبد خیمه واقعی توصیف می‌شود که در... قرار دارد و آن معبدی است که اکنون مسیح به آن خدمت می‌کند.

این معبد خیمه‌ای است که اکنون مسیح در آن وارد قدس‌الاقداس می‌شود تا قربانی‌هایی برای بخشش گناهان تقدیم کند. سومین نکته‌ای که قبلاً در رابطه با آن دو نکته ذکر کردم، این است که دلالت ضمنی این است که بخشش اکنون نه با خیمه فیزیکی، نه با معبد فیزیکی، بلکه با عیسی مسیح، که در محراب آسمانی خدمت می‌کند، مرتبط است. بنابراین، خود نویسنده عبرانیان شروع به استدلال در مورد ماهیت به ظاهر موقت خیمه و معبد فیزیکی می‌کند، اما این امر اکنون با آمدن عیسی مسیح تحت الشعاع قرار گرفته است.

دیگر بخشش گناهان با کاهنان انسانی و خیمه و معبد زمینی مرتبط نیست، بلکه اکنون بخشش گناهان با کاهن آسمانی ما مرتبط است، اگرچه نویسنده هنوز استدلال می‌کند که او نیز یک انسان است، اما کاهن آسمانی ما که عیسی مسیح است و اکنون خود را به عنوان قربانی تقدیم می‌کند و در معبد آسمانی خدمت می‌کند، معبدی که معبد زمینی صرفاً یک الگو یا نمونه از آن است. بنابراین، یک بار دیگر، استدلال نویسنده این نیست که نقشه الف کار نکرد، بنابراین خدا آن را کنار گذاشت و چیز دیگری را جایگزین آن کرد، بلکه به نظر می‌رسد که زبان مدل یا الگو یا سایه نشان می‌دهد که خیمه و معبد زمینی از قبل به چیزی بزرگتر اشاره می‌کردند. آنها هرگز قرار نبود بیان دائمی ابزاری باشند که خدا برای مقابله با گناه انسان استفاده خواهد کرد، بلکه خیمه و معبد فقط به عنوان سایه یا به عنوان پیش‌بینی چیزی بزرگتر در نظر گرفته شده بودند.

و استدلال نویسنده عبرانیان این است که اکنون چیزی بزرگتر در شخص عیسی مسیح وجود دارد. خیمه و معبد عهد عتیق به واقعیت بزرگتری از خدا اشاره دارد که با قوم خود ساکن است و خدا با گناه برخورد می‌کند تا بتواند در شخص عیسی مسیح با قوم خود ساکن شود. بنابراین، جالب اینجاست که یک بار دیگر عبرانیان، حداقل در این بخش‌ها، اساساً از نظر معبد بودن مردم صحبت نمی‌کند، بلکه به نظر می‌رسد از نظر عیسی مسیح صحبت می‌کند، که با هدف نویسنده در سراسر کتاب سازگار است، جایی که عیسی به عنوان کسی که بر اشخاص، مکان‌ها و نهادهای مختلف عهد عتیق برتری دارد و آنها را برآورده می‌کند، دیده می‌شود.

اکنون عیسی مسیح به عنوان تحقق معبد و آنچه در معبد اتفاق افتاد، کل سیستم قربانی، کل عهد و نیت و هدف خدا در خیمه و معبد، یعنی هدف فیزیکی، دیده می‌شود که اکنون در واقعیت بزرگتری که در شخص عیسی مسیح تجسم یافته است، تحقق خود را می‌یابد. متن دیگری، متن دیگری که از زبان معبد استفاده می‌کند، و احتمالاً همانطور که قبلاً گفتم، احتمالاً متون دیگری نیز وجود دارد که می‌توانیم به آنها اشاره کنیم، اما من روی قسمت‌هایی تمرکز می‌کنم که به وضوح به عیسی یا قوم خدا به عنوان یک معبد اشاره می‌کنند و به نظر می‌رسد که آن را به متن عهد عتیق مرتبط می‌کنند، که عبرانیان به وضوح این کار را انجام

می‌دهند، و دیدیم که به نظر می‌رسد پولس نیز همین کار را می‌کند. اما در باب دوم رساله اول پطرس، می‌خواهم آیات ۴ تا ۶ را بخوانم. در باب دوم رساله اول پطرس، آیات ۴ تا ۶، همانطور که به او، آن سنگ زنده که انسان‌ها آن را رد کردند اما خدا آن را برگزید و برای او گرانبهاست، نزدیک می‌شوید، شما نیز، و دوباره توجه کنید که شما، نویسنده خطاب به کلیسا یا کلیساها است، نه افراد، بلکه شما نیز مانند سنگ‌های زنده، در حال ساخته شدن در یک خانه روحانی هستید تا کاهنان مقدسی باشید که از طریق عیسی مسیح قربانی‌های روحانی مقبول خدا را تقدیم می‌کنند.

زیرا در کتاب مقدس آمده است: «ببینید، من در صهیون سنگ زاویه‌ای برگزیده و گرانبها قرار می‌دهم، و کسی که به او توکل کند، هرگز شرمنده نخواهد شد.» بنابراین، یک بار دیگر به دو نکته توجه کنید. اول از همه، اکنون عبارت معبد برای کلیسا به کار می‌رود.

بنابراین، قوم خدا معبد هستند. آنها معبد هستند، سنگ‌ها، بسیار شبیه به افسسیان فصل ۲. به نظر می‌رسد این با آنچه پولس در افسسیان فصل ۲ و آیات ۱۹ تا ۲۲ گفته است، بسیار سازگار است. حال خود قوم، سنگ‌های استعاری هستند که معبد را تشکیل می‌دهند.

و یک بار دیگر، عیسی سنگ اصلی است. آیه ۶، من در صهیون سنگ زاویه گرانبها را قرار دادم. عیسی سنگ زاویه یا سنگ اصلی است.

باز هم، بسیار شبیه به آنچه در افسسیان فصل ۲ دیدیم. عیسی سنگ بنای این معبد است و مردم سنگ‌های استعاری هستند که ساختار معبد را تشکیل می‌دهند. علاوه بر این، آنها کاهنان مقدس هستند و قربانی‌های معنوی را که برای عیسی مسیح قابل قبول است، تقدیم می‌کنند. بنابراین، نویسندگان تمام این تصاویر معبد عهد عتیق را گرفته و اکنون آن را در مورد قوم خدا به کار برده‌اند، بسیار شبیه به کاری که پولس انجام می‌دهد.

اما می‌خواهم یک بار دیگر توجه کنید که این فقط یک زبان استعاری راحت نیست، اگرچه استعاری است، اما نویسنده آن را در عهد عتیق پایه‌گذاری می‌کند. بنابراین، او نقل می‌کند، اگرچه پولس به آن اشاره کرد نویسنده از اشعیا ۲۸ و آیه ۱۶ نقل قول می‌کند. همچنین، این مفهوم کهانت مقدس بودن، چیزی را که بعداً در چند آیه بعد در آیه ۹ می‌یابیم، پیش‌بینی می‌کند، جایی که نویسنده می‌گوید، اما شما قومی برگزیده کاهنان سلطنتی، ملتی مقدس، ملک خاص خدا هستید تا ستایش‌های خدا یا ستایش‌های او را که شما را از تاریکی به نور شگفت‌انگیز خود فراخوانده است، اعلام کنید.

این نقل قول مستقیم از خروج، فصل ۱۹، آیه ۱۶ است که به ملت اسرائیل به عنوان پادشاهی کاهنان اشاره می‌کند. اما اکنون، جالب اینجاست که در فصل دوم، آیه ۹ از رساله اول پطرس، این عبارت به قوم خدا، یعنی کلیسا، اطلاق می‌شود. آنها اکنون کاهنانی هستند که در معبد جدید خدمت می‌کنند.

آنها اکنون کاهنان سلطنتی هستند که وظیفه خدمت و تقدیم ستایش و قربانی‌های معنوی در معبد بازسازی‌شده را بر عهده دارند. بنابراین، به نظر من، ارجاعات به عهد عتیق، دوباره نشان می‌دهد که این چیزی بیش از یک استعاره است، بلکه نویسنده کلیسا را به عنوان معبد واقعی که وعده‌های عهد عتیق در مورد یک معبد بازسازی‌شده و نوسازی‌شده را محقق می‌کند، و همچنین هدف و مقاصد نهایی معبد فیزیکی در خیمه را که نویسنده عبری گفته است صرفاً سایه‌ای از معبد واقعی هستند، درک می‌کند. اکنون می‌بینیم، که آن معبد واقعی در کلیسا، قوم خدا، محقق شده است، جایی که، دوباره، بسیار شبیه به افسسیان ۲، عیسی مسیح سنگ بنای اصلی در تحقق اشعیا ۲۸ است، و همه مردم سنگ‌های ساختمانی هستند که این مکان سکونت را که خدا در آن زندگی می‌کند، تشکیل می‌دهند و به عنوان کاهن عمل می‌کنند.

جالب اینجاست که در عبرانیان ۸ تا ۱۰، می‌بینیم که عیسی کاهن حقیقی است، اما اکنون می‌بینیم که خود مردم به عنوان کاهن عمل می‌کنند. و بار دیگر، این را چندین بار دیده‌ایم، جایی که آنچه در مورد عیسی مسیح اعمال می‌شود، به دلیل ارتباط و اتحاد آنها با او از طریق ایمان، در مورد قوم او نیز اعمال می‌شود، بنابراین، اول پطرس ۲ نیز، بسیار شبیه به ادبیات پولس، زبان معبد را می‌گیرد و آن را در مورد قوم خدا، کلیسا، به کار می‌برد.

حال، استفاده از زبان معبد و به کار بردن آن در مورد مردم، مختص پولس یا پطرس یا دیگر نویسندگان عهد جدید نیست. دیگر نویسندگان یهودی نیز این کار را انجام می‌دهند. ما در برخی از متون بین دو عهد، گاهی اوقات، نویسندگان یهودی را می‌بینیم که زبان عهد عتیق، زبان معبد را گرفته و آن را در مورد مردم به کار برده‌اند.

جامعه قومران، طومارهای دریای مرده، این کار را انجام می‌دهند. ما قبلاً در مورد آن صحبت کرده‌ایم. آنها اغلب زبان معبد را از عهد عتیق می‌گیرند و آن را در جامعه خود به کار می‌برند.

تفاوت اصلی این است که ادبیات یهودی، تقریباً بدون شک، هنوز بازسازی ساختار فیزیکی در آینده را پیش‌بینی می‌کند. من معتقدم که، برای مثال، در جامعه قمران، دلیل اینکه آنها تصویر معبد را برای جامعه خود به کار می‌برند این است که از معبد فیزیکی در اورشلیم سرخورده شده‌اند، آنها به دلایل مختلف آن را رد می‌کنند، بنابراین فکر نمی‌کنند که این یک معبد واقعی باشد. بنابراین آنها زبان معبد را می‌گیرند و آن را برای خودشان به کار می‌برند، با این حال هنوز منتظر یک معبد فیزیکی بازسازی شده هستند.

دلیل اینکه پولس از زبان معبد برای توصیف جامعه استفاده می‌کند، این نیست که معبد فیزیکی را رد می‌کند، نه به این دلیل که فکر می‌کند فاسد است و غیره، نه به این دلیل که فکر می‌کند روزی هنوز معبد فیزیکی وجود نخواهد داشت و در این میان، جامعه معبد است. بلکه دلیل اینکه او این کار را می‌کند این است که اول از همه، وعده‌های عهد عتیق در مورد معبد در عیسی مسیح محقق شده‌اند، و سپس، به طور گسترده‌تر، اکنون در قوم او که به او تعلق دارند، محقق شده‌اند. بنابراین، به نظر من، وعده‌های معبد در عهد عتیق، تحقق خود را پیدا می‌کنند، نه در یک ساختمان یا معبد فیزیکی در حال حاضر یا در آینده، که با انتظارات و ادبیات یهودی سازگار خواهد بود.

اما در عوض، به نظر می‌رسد عهد جدید پیشگویی‌های مربوط به یک معبد بازسازی شده و انتظارات از یک معبد بازسازی شده و حتی نیت و اهداف معبد عهد عتیق را که اکنون محقق شده‌اند، نه به صورت فیزیکی در یک معبد بازسازی شده، بلکه اکنون در عیسی مسیح، که معبد حقیقی است، و همچنین در قوم او که اکنون معبد خدای زنده هستند و خدا به واسطه روح خود در آنجا ساکن است، محقق شده‌اند. بدیهی است که تصویر معبد یا انتظارات از معبد، بُعدی از پیش اما نه هنوز دارند. ما عمدتاً بر آنچه که در انجیل‌ها وجود دارد تمرکز کردیم، جایی که عیسی معبد را محقق می‌کند، در ادبیات پولس، در عبرانیان و اول پطرس که در آن عیسی، دوباره در عبرانیان، اما کلیسا نیت معبد و انتظارات از یک معبد بازسازی شده را محقق می‌کند.

کلیسا این را محقق می‌کند. این از قبل است. اما هنوز یک بُعد «هنوز-نایافته» وجود دارد که در ادامه به آن خواهیم پرداخت، و آن در مکاشفه ۲۱ و ۲۲ است.

بنابراین، دوباره، فقط برای خلاصه کردن، برای روشن شدن، در عهد عتیق، آنچه فکر می‌کنم در وهله اول در باغ عدن می‌بایم، عدن پناهگاه بود، نوعی خیمه معبد که در آن خدا با قوم خود ساکن بود. پس از پیدایش ۳، با گناهی که آن را خراب کرد و گناهی که آن رابطه را مختل کرد و حضور خدا را مختل کرد، آدم و حوا حضور خدا با قوم خود هستند. آدم و حوا از باغ اخراج یا تبعید می‌شوند، و سپس بقیه عهد عتیق

شروع به پاسخ به این سؤال می‌کند که چگونه خدا پناهگاه خود را با قوم خود باز خواهد گرداند؟ چگونه خدا بار دیگر با قوم خود ساکن خواهد شد و در کنار آنها ساکن خواهد شد؟ این امر از طریق خیمه فیزیکی و معبد در عهد عتیق آغاز شد.

اما اسرائیل نیز سرنوشتی بهتر از آدم و حوا نداشت. آنها نیز به دلیل گناه از معبد تبعید شدند. به طوری که پیامبرانی مانند حزقیال و زکریا انتظار و چشم انتظار معبدی بازسازی شده و آباد را داشتند که عدن را دوباره تسخیر خواهد کرد، معبدی که در وهله اول هدف خیمه و معبد را در معبدی بازسازی شده و آباد محقق خواهد کرد.

سوال این است که خب، این چگونه قرار است محقق شود؟ وقتی به عهد عتیق، یا ببخشید، عهد جدید می‌رسیم، نکته جالب این است که این امر نه در یک ساختار فیزیکی، نه در یک معبد فیزیکی بازسازی شده بلکه اول از همه، در شخص عیسی مسیح محقق می‌شود. حضور خدا با قومش از باغ عدن، که در خیمه و معبد آشکار می‌شود، در پیامبران پیش‌بینی و پیشگویی شده بود. حضور خدا اکنون در عیسی مسیح ساکن است.

خدا اکنون در تحقق عهد عتیق، در شخص عیسی مسیح، شروع به سکونت در میان قوم خود می‌کند. و سپس، به طور گسترده‌تر، در میان قوم خود که متعلق به عیسی مسیح هستند، نویسندگان عهد جدید از تصویرسازی معبد استفاده می‌کنند تا نشان دهند که کلیسا نیز معبد است، جایی که اکنون خدا از طریق روح القدس خود در معبد کلیسا، در کنار قوم خود ساکن می‌شود. در بخش بعدی، همانطور که گفتم، به جنبه هنوز نه «خواهیم پرداخت و بر مکاشفه ۲۱ و ۲۲ تمرکز خواهیم کرد که نگاهی اجمالی به معبد، خیمه و» سکونت عدن نهایی خدا با قومش به ما می‌دهد.

من دکتر دیو متیوسون هستم در مجموعه سخنرانی‌هایش در مورد الهیات عهد جدید. این جلسه هفتم معبد در عهد جدید است.